

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رؤیای شهر

سفر به دنیای شهرهای رؤیایی: شهر اوهام،  
آرمانشهر، شهر مجازی، شهر سایبر، شهر آینده

نویسنده: ای آرمانی: از آرمانشهر تا شهر دیجیتال

دانشگاه تهران

تالیف: اولیویه ژوناس

ترجمه: محمود قلعه نویی

استادیار دانشگاه هنر اصفهان

www.ketab.ir



## فهرست مطالب

خ	پیدا در آمد (زبان اصلی)
۱	سفر به شهرهای رؤیایی
۹	شهر خیال: شهر وهام
۳۱	در جست و جوی شهر آینده: آوانشهر
۵۵	از مجازی تا واقعیت اجتماع شهر مجازی
۷۳	رؤیای فناوری: شهر سایبری
۹۹	آینده شهرها: شهر آینده
۱۲۵	کتاب شناسی
۱۲۹	سایر دانستنی های کتاب شناختی

www.ketab.ir

پیش گفتار

از زمان وقوع انقلاب شهری- چه آن را پدیده‌ای فرهنگی بدانیم یا چونان پدیده‌ای مادی و اقتصادی در نظر آوریم- رویای شهر در ذهن آدمی نقش بسته است. از همان آغاز شهر مکانی می‌شود برای رویاپردازی در مورد زندگی شهری، زندگی‌ای مبتنی بر قراردادهای اجتماعی برای تنظیم بناها و هنجارهای آنانی که در شهر می‌زیبند و خیالی برای زندگی بهتر در سر دارند. شهر مکانی مادی است که معرفتی سطح تمدنی شهر، سطح تمدنی آدمیانی که آن را برپا داشته‌اند در آن زیسته و آن را به نسل‌های بعد از خود واگذاشته‌اند. بدین قرار، شهر مظهر تمدن می‌گردد، گاه با سرریزی تمدنی که آن را برپا داشته، فرو می‌یابد و در بسیاری موارد به حیات خود ادامه می‌دهد. در شهر تمدن‌ها را تجربه کند. شهر مکان خاطره‌های بین نسلی می‌شود، خاطره‌هایی که در سرردن‌ها باقی می‌مانند. از خطراتی هستند که شهر را در نوردیده‌اند و در مواردی دیگر ناشی از واقعه‌ها و حادثه‌ها می‌باشند، گاه خرابی‌ها و گاه اندوه‌بار، که سرنوشت شهر را رقم زده و می‌زنند.

در نگاهی کلی می‌توان گفت که شهر در حقیقت واقعه‌ای خود، تا کنون سه دوره را تجربه کرده است:

*شهر اول یا شهر پیشا صنعتی*، شهری که در این سو و آن سو از تمدن عالم هنجارها و رفتارهای خود را برمبنای دستورالعمل‌های آسمانی، ابدی و ازلی تنظیم می‌کند. هر چیزی در مدار آرامی در حال چرخش است، آغاز و انجام زمان بر هم منطبق است، همه چیز در حال وقوع می‌باشد. شهر تصویری زمینی از صورتی خیالی در آسمان است. حتی در سرزمین‌های غربی، از یونان تا تمدن‌های نشأت گرفته از آن، که دستور العملها آسمانی را بسیار زمینی کرده‌اند، شهر مفهومی یگانه دارد و بازتابی از سرزمین و فرهنگ مردمانی است که در آن زیسته و می‌زیبند. شهر در تفاوت هایش تعریف می‌شود.

*شهر دوم یا شهر صنعتی*، شهری که تبار خود را در تحولات سده‌های میانه اروپا و رنسانس جستجو می‌کند و بنیان خود را بر قراردادهای اجتماعی مبتنی بر حقوق مدنی و شهروندی، شکل گرفته در قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم میلادی، اروپا می‌گذارد. شهری مبتنی بر

تجربه گرائی و اصالت عقل که تنها به تصویری زمینی و دستاوردهای انسانی و برآوردن نیازهای مادی او می‌اندیشد. انسان تک ساحتی و شهر تک ساحتی با الگوئی جهانی و یکسان هدف شهر دوم است. الگوئی که به سبب دست بالا داشتن روابط تولید سرمایه‌داری به پدیده‌ای جهان‌گستر تبدیل می‌شود و الگوئی یکسان برای همه شهرهای عالم ارائه می‌دهد. با پرتاب بی‌وقفه به آینده، شهر با پدیده تخریب و نوسازی دائمی مواجه می‌شود که در آن گذشته بنائی ندارد و حال آغازی برای آینده است. مفهوم خطی زمان سبب ساز دل مشغولی آینده می‌شود. فارغ از سرزمین و فرهنگ، شهر در تشابهات خود تعریف می‌شود.

شهر سوم یا شهر پسا صنعتی، شهری که بارقه‌های ظهور آن از سالهای ۱۹۶۰ میلادی دیده می‌شود. شهر سوم که در نظر فلسفی بر نقد سهمگین شهر دوم بنا می‌شود و فروریزی مفهوم فرهنگ در شهر سوم را اعلام می‌دارد و از رسوائی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و کالبدی فضائی آن سخن می‌گوید. شهر سوم در پی چگونگی باز تعریف اندیشه‌ای جهانی با زبانی محلی است. شهری که بتواند تبلور کالبدی زیست بوم سرزمینی و خرده فرهنگ‌های محلی در فضای خود باشد. گذشته و حال و آینده را در هم آمیزد و به حال نقشی تعیین کننده در دو دیگر دهد و در زمان و همزمانی رویدادها با مکان و فضای وقوع آنها به مفهومی نو از زمان برسد: زمانی چرخشی، پیشرو شاید به شکلی سهموی. شهری که نه در پی بازتولید نهادهای مدنی و فضاهای عمومی دو شهر پیش از خود، که در پی باز تعریف مفهوم انسان، فضا، زمان و مکان است. شهری که سبب تشابهات تنه‌های سرزمینی و فرهنگی و بازآفرینی آنها در فضا و مکان است.

داستان سه شهر افزون بر گونه بندی‌های تاریخی و سرزمینی، داستان رویای شهر نیز هست. اندیشمندان دو شهر اول و دوم از همان آغاز در نقد وضع موجود و شهر با خیال وضع مطلوب همراه شدند و آرمانشهرهای مملو از آسایش و رفاه را رقم زدند. در حالی که آرمانشهرهای شهر اول از اسطوره و تصاویر ازلی مدد می‌گرفتند، سرزمین‌های غربی شهر سوم با استفاده هرچه بیشتر از فناوری صنعتی و فنون مربوط شکل می‌گیرند و بر خند تا دشواری‌ها و کژی‌های ناشی از صنعت گرائی را با دستاوردهای پیشرو صنعتی پاسخ گویند. سراسر قرن نوزدهم و بیستم میلادی انباشته از این آرمانشهرهاست.

به نظر می‌رسد که بسیاری از آرزوهای آرمانشهری شهر دوم، اینک و در آغاز قرن بیست یکم تحقق یافته‌اند و از عالم خیال به عالم محسوس عبور کرده‌اند. سرزمین فن، زمین واقعی را از آن خود کرده است:

شهر فن و فناوری (شهری مبتنی بر شبکه‌های آمد و شد هوشمند، انرژی الکترونیک، خودکاری، استفاده گسترده از رایانه و ...) کماکان شهری مبتنی بر فعالیت است.

شهر بحیثیت (پای گرفته در فناوری اطلاعاتی، شبکه‌های ارتباطی از راه دور و ...) آمیخته‌ای از فعالیت و فراغت است.

شهر شهری (مبتنی بر فنون "واقعیت‌های مجازی"، چشم اندازهای اجتماعی و فرهنگی، خانه الکترونیک و ... است و مست مملو از نقاط عبور و حضور، پر از عرصه‌های عمومی برای گذران اوقات فراغت و تفریح همه به چهره.

و باز به نظر می‌رسد با اقبال به وقوع پیوستن هر آنچه در خیال است در آینده‌ای نه چندان دور، تمنای آرمانشهری در حال فروخفتن باشد. اکنون، حضور هر آینده‌ای محتمل است:

می‌توان به شهری اندیشمند که در زمان پریشی، اوهام، شبیه سازی الکترونیکی در محیط‌های مجازی، مملو از گسسه‌های اجتماعی همراهی شده با توسعه‌های ناموزون و محیط‌های شهری آشفته، با مدیریتی بیش و کم هوشمندانه از سوی شرکت‌های چند ملیتی آگاه بر همه اطلاعات شهروندان، با شهروندانی که حتی کودکان با شبکه‌های اطلاعاتی و ماشین وابسته است، در حالی که می‌دانند این شبکه‌ها مملو از راهزنان الکترونیکی است.

می‌توان به شهری اندیشمند که از مفهوم "مگاپولیس" عبور کند به مفهوم "متاپولیس" را شرح می‌کند. مفهومی که از افول کلانشهرها و نیرو گرفتن شهرهای میان و متوسط حکایت دارد. شهری که از سوئی سر در اندیشه‌های جهانی دارد و از دیگر سوی اطلاعات محلی را پی می‌گیرد و تلاش می‌کند که تعریفی دیگر از بومی سازی نوآوری جهانی به دست دهد.

می‌توان شهری آینده از فناوری‌های نو با فضاهای شهری آشفته و پریشان را مملو از پسماندهای فناورانه تصور کرد و می‌توان شکل گیری "تکنوپولیس" با معماری "بیونیک" را به تصویر کشید، هر چیزی محتمل خواهد بود.

شکی نیست که شهر فردا را فردا تعریف خواهد کرد، گمان‌های ما از این شهر به دامنه خیالی ما وابسته است. گو این که به نظر می‌رسد مفهوم آرمانشهری رنگ باخته است ولی در مقابل

آشفته شهر موجود، شهر مطلوب کماکان خیال آدمی را به خود مشغول خواهد داشت، افق آینده باز است.

و اما کتاب حاضر که حاصل تفکر شهرشناسی توانا، اولیویه ژوناس، است و با ترجمه روان دکتر محمود قلعه‌نوئی در مقابل قرار دارد و ما را با خیال شهر از دوردستهای تاریخ تا به امروز آشنا می‌کند، کتابی است مملو از شهرهای خیالی و شهرهای واقعی. این کتاب می‌تواند در شکوفائی خیال شهروند، شهرشناس و شهرساز ایرانی از شهر ایرانی موثر افتد و به باز تعریفی نو از حال و نگرش‌های آن بیانجامد.

سید محسن حبیبی

استاد شهرسازی دانشگاه تهران

www.ketab.ir

## سخن مترجم

آرزوی دنیایی بهتر پیشینه‌ای به بلندای تاریخ دارد. این دنیای دیگر به اشکال مختلف در فرهنگ‌های گوناگون بیان شده است. می‌توان گفت اندیشه آرمانشهر یا همان دنیای ایده‌آل از زمان شکل‌گیری نخستین گروه‌های انسانی وجود داشته است. این مفهوم در آموزه‌های دینی، فرهنگی و فلسفی در قالب بهشت موعود، زندگی جاویدان، مدینه فاضله و همچنین در ادبیات داستانی، سینمایی و علمی-تخیلی به شکل اتوپیا، آرمانشهر، شهر ایده‌آل و ... برای ما بسیار دیراشنا است. آرمانشهر را می‌توان موتور نوآوری‌ها در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهر و فضاهای شهری دانست که همواره منجر به زینش فضاهای زیست‌محیطی بهتر و خیال‌پردازانه‌تر شده است. در این زمینه اما با وجود نیازی که به شناخت چینی و ایرانی‌ها در زمینه آرمانشهر و شهر ایده‌آل وجود دارد، منابع چندانی در دسترس نیست. همین مسئله انگیزه‌ای برای نگارش این کتاب به مخاطب فارسی‌زبان پیشکش نمایم؛ اثری که نگاهی نسبتاً جامع از آرمانشهر و فلسفه آرمانشهری را با گذری در تاریخ در اختیار قرار داده و ما را از دل تاریخ و افسانه‌ها تا آینده و دغدغه‌های جاری فضای سایبر با خود همراه کرده و ضرورت توجه به آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها را برای ساختن دنیای شهری بهتر یادآور می‌گردد. از طرفی در این کتاب آن روی سکه آرمانشهر یعنی «ضد آرمانشهر» نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ سناریویی که به نظر می‌رسد در صورت عدم برنامه‌ریزی دقیق، انفعال و رهنمونگی دست‌اندرکاران ساخت و مدیریت شهر گریبان شهرهای بسیاری را بگیرد. نمونه آن اصفهان بهره به ننگین شهرهای ایران و جهان است که با خشکیدن زاینده رود، سطره خودرو و آلودگی زیست‌محیطی روزافزونی، شتابان بسوی سناریوی نا-امیدکننده ضد آرمانشهری پیش می‌رود...

در این ترجمه نکات بسیاری در قالب پانویس ارائه شده که به صورت اختصار به مخاطب فارسی‌زبان، معادل مفاهیم، اصطلاحات و نام‌های بسیاری به دو زبان فرانسه و انگلیسی ارائه شده‌اند. همچنین به منظور کاربردی‌تر شدن بخش کتابشناسی، توضیحات ارائه شده این بخش نیز گسترش یافته شده است. شایسته است از اساتید ارجمند آقایان دکتر سید حسین بحرینی به خاطر اهتمام، دلگرمی و حمایتشان و دکتر سید محسن حبیبی که علاوه بر این همه، نظارت کیفی کتاب را بر عهده گرفتند، تشکر و پذیرفته و ترجمه حاضر را با مقدمه‌ای به قلم خود مزین نمودند، مراتب سپاس ویژه را ابراز نمایم. همچنین کمک شایان همسرم به‌ویژه در مرحله ویرایش و یاری همه عزیزانی که در این راه همراهم بودند را ارج می‌نهم. در پایان به‌منظور ارتقای سطح کیفی این ترجمه، پذیرای نظرها و پیشنهادهای سازنده، به‌ویژه از سوی صاحبان اندیشه و همکاران محترم می‌باشم.

محمود قلعه نویی

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان